

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 6, Summer 2021, 421-442
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.33164.2001

A Critical Review on the Book *Islam in Russia: The Politics of Identity and Security*

Bahram Navazeni*

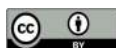
Abstract

This is a review of the book "*Islam in Russia: the politics of identity and security*" by Shirin T. Hunter, the Iranian-American Professor of Georgetown University, in collaboration with two of the researchers at the Center for strategic and international studies, Jeffrey Thomas and Alexander Melikishvili, published in New York in 2004. A translation of this work is done by Elahe Koulaei, Professor at Tehran University, and two of his colleagues, Seyedeh Motahare Hussein and Asma Moini by Nei press in Tehran. Although the book may not be considered as the main textbook for political science course subjects, but may certainly be acknowledged as holding valuable information about the Soviet Government and politics, the big power's foreign policy, in all branches of BA, MA and PhD fields of political science, international relations, and regional studies. This article is also trying to introduce this work and its authors and translators, as well as critically analyze the structural and contextual weakness and suggest some corrective tips for the next edition of it.

Keywords: Islam, Russia, Politics, Identity, Security.

* Associate Professor, Department of Political Science, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran, navazeni@soc.ikiu.ac.ir

Date received: 01/04/2021, Date of acceptance: 20/07/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب

اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی

بهرام نوازی*

چکیده

کتاب *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، اثر شیرین تهماسب - هانتر، استاد آمریکایی ایرانی تبار دانشگاه جرج تاون در واشنگتن است که با همکاری دو تن از پژوهش‌گران همکاری در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی، در سال ۲۰۰۴ در نیویورک به چاپ رسید. این اثر را الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران، و دو تن از همکارانش در سال ۱۳۹۱ ترجمه کرده‌اند و نشر نی آن را به زیور طبع آراسته است. این کتاب، ضمن بررسی نقش اسلام و مسلمانان در تشکیل امپراطوری روسیه و تحولات پس از آن تا فروپاشی شوروی، بحران هویت و تحولات بنیادین در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی روسیه پس از شوروی را بررسی کرده و به تأثیر عامل اسلام در روابط داخلی میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف درون فدراسیون روسیه و در روابط خارجی این کشور با کشورهای همسایه، عربی، غربی، و هم‌چنین اعضای اتحادیه پیشین شوروی پرداخته است. از نظر نویسندگان این کتاب، مسلمانان روسیه با وجود تاریخی پُرفرازونشیب و سراسر خونین، هنوز نتوانسته‌اند به وضع دل‌خواه خود دست یابند. گرچه این اثر اطلاعات ارزش‌مندی دربارهٔ درس‌های مرتبط با سیاست و حکومت روسیه در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌دهد، اما اشکالات شکلی و محتوایی بسیاری نیز دارد که باید موردتوجه قرار گیرد. این مقاله تلاش می‌کند تا ضمن معرفی این کتاب، به نقد شکلی، ساختاری، و محتوایی آن بپردازد و برای اصلاح آن در چاپ‌های بعدی، نکاتی پیش‌نهاد کند.

کلیدواژه‌ها: اسلام، روسیه، سیاست، هویت، امنیت.

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. navazeni@soc.ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹



۱. مقدمه

کتاب *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی*، نوشته شیرین تهماسب (هانتر)، استاد آمریکایی ایرانی‌تبار دانشگاه جرج‌تاون در واشنگتن است که با همکاری دو تن از همکاران پژوهش‌گر او در مرکز مطالعات راه‌بردی و بین‌المللی، جفری تامس و الکساندر ملیکیشویلی، در سال ۲۰۰۴ م (۱۳۸۳) در نیویورک به چاپ رسید. شیرین تهماسب – هانتر، که خود آمریکایی ایرانی‌تبار است، در سرآغاز این اثر، یادآوری کرده است که این کار با اعتبار پژوهشی بنیاد کارنگی در نیویورک به انجام رسیده و همان‌طور که خود گفته است، از آثار پژوهش‌گران مشهوری مانند الکساندر بنیگسن، مری براکس آپ، الکسی مالاشنکو، وینس ورث، و جان دانلپ بهره برده و با سفر به شهرهای مسکو، قازان، اوافا، و راستوفن‌دن در فدراسیون روسیه، از منابع کتاب‌خانه‌ای و هم‌چنین مصاحبه با مدیران، رهبران دینی، دانشگاهیان، و روزنامه‌نگاران مختلفی استفاده کرده است (هانتر و دیگران ۱۳۹۱: ۱۹).

این اثر را الهه کولایی، استاد دانشگاه تهران، و دو تن از همکارانش، سیده‌مطهره حسینی و اسما معینی، در سال ۱۳۹۱ ترجمه کردند و نشر نی با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در یک مجلد و ۸۷۱ صفحه در قطع وزیری آن را به زیور طبع آراسته کرد. کولایی و حسینی پیش از این آثار گوناگونی را به صورت تألیف و ترجمه، تهیه و توسط ناشران معتبری به چاپ رسانده‌اند و این خود گواهی است بر تسلط آنان بر موضوع این اثر (کولایی ۱۳۷۹؛ حسینی ۱۳۹۱). آثار گوناگون دیگری به قلم نویسندگان مطرح در این زمینه از سوی دانشگاه تهران و مؤسسه فرهنگی مطالعاتی روسیه، آسیای مرکزی، و قفقاز (ایراس) منتشر شده (سنایی و کرمی ۱۳۸۷؛ کرمی ۱۳۹۱؛ بیلینگتون ۱۳۸۵) که می‌توانند به‌عنوان منبع اصلی درس‌های «سیاست و حکومت در شوروی»، «سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ» و «سیاست خارجی تطبیقی» در همه مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، و مطالعات منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرند، اما این اثر نیز اطلاعات ارزشمند دیگری در اختیار دانشجویان و دانش‌پژوهان قرار می‌دهد. این اثر، همان‌طور که الهه کولایی در مقدمه مترجمان این اثر اظهار داشته، «بی‌تردید یکی از بهترین منابعی است که می‌تواند برپایه پژوهش‌های میدانی گسترده، سیمای عمومی مسلمانان را به تصویر بکشد» (هانتر و دیگران ۱۳۹۱: ۱۲).

این مقاله در تلاش است تا ضمن معرفی این اثر و نویسندگان و مترجمان آن، به نقد شکلی، ساختاری، ارجاع و منابع، محتوایی، و معادل‌یابی آن پردازد و نکاتی اصلاحی برای چاپ‌های بعدی پیش‌نهاد کند.

۲. معرفی اثر

کتاب/اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی دارای یک فهرست مطالب تفصیلی است. طبق این فهرست، این اثر علاوه بر «مقدمه مترجمین»، دارای یک «پیش‌درآمد» در چهار صفحه نوشته جیمز ف. کالینز، سفیر ایالات متحده آمریکا در فدراسیون روسیه در سال‌های ۱۹۹۷-۲۰۰۱، «سرآغاز» در ۴ صفحه به قلم شیرین تهماسب - هانتز و «مقدمه» در ۹ صفحه و ۳ فصل در ۶۶۸ صفحه و «نتیجه» در ۱۸ صفحه به قلم نویسندگان کتاب است.

فصل اول با عنوان «شرحی کوتاه بر اسلام در روسیه: گذشته و حال» در دو بخش با ۱۹۸ صفحه، فصل دوم با عنوان «سیاست‌های هویت‌بخشی در فدراسیون روسیه: عامل اسلام» با ۳ بخش در ۲۵۴ صفحه، و فصل سوم با عنوان «روسیه و اسلام: عامل اسلام در روابط خارجی» با ۶ بخش در ۲۱۶ صفحه ساختمان اصلی متن را تشکیل می‌دهند. این اثر از منابع بسیار گسترده‌ای نیز بهره‌مند شده که به صورت پی‌نوشت در انتهای اثر در ۱۳۵ صفحه به تفکیک هر فصل، پایان‌بخش کتاب است.

در فصل اول، نویسندگان از یک سو به تاریخ یک‌هزارساله اسلام در روسیه اشاره کرده‌اند. آن‌ها معتقدند از همان آغاز، مسلمانان روسیه با نیروهای دشمن خارجی، یعنی مغول‌ها، مترادف شدند که روس‌ها باید در برابر آن‌ها متحد می‌شدند تا خود را از سلطه آن‌ها رهایی بخشند. اما گام بعدی گسترش اسلام در روسیه در نتیجه چیرگی روسیه بر سرزمین‌های اسلام پدید آمد و نقطه عطف آن چیرگی ایوان مخوف بر قازان بود و چندین سده ادامه یافت. به این ترتیب، خاطره جمعی مسلمانان از این رخداد نیز یک پیروزی خارجی بود که مسلمانان باید خود را از سلطه آن رهایی می‌بخشیدند. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که «محتوای کنونی رویارویی روس‌ها و مسلمانان توالی شکست و سلطه بوده است. برخورد روسیه با اسلام و مسلمانان در ۵۰۰ سال اخیر عموماً با رنج‌ها و ظلم‌هایی برای نابودی همگانی، به‌ویژه در دوران زمامداری کمونیست‌ها، تصویر شده است» (همان: ۹۶). به نظر نویسندگان، اساس این رابطه «استعماری» بوده و مسلمانان برای کسب خودمختاری خود هرگاه توانستند قیام کردند که نمونه‌های آن در سال‌های ۱۹۰۵-۱۹۰۷، ۱۹۱۷، ۱۹۲۱، و ۱۹۸۶-۱۹۹۱ رخ داده است. هلن کارر دانکوس وضعیت مشابهی را برای تاریخ روسیه به تصویر کشیده و این گذشته را «تاریخ خون و قتل» نامیده است (دانکوس ۱۳۷۱). به نظر هانتز و همکارانش (۱۳۹۱: ۹۷)، باوجود این‌که پس از فروپاشی

شوروی، قلمرو گسترده‌ای از نواحی مسلمان‌نشین روسیه به استقلال رسید، «موضوع جایگاه و نقش اسلام در روسیه پس از شوروی و خواسته‌ها و مسائل مربوط به آن هنوز در جریان است و فراتر از این، آنان در جست‌وجوی پاسخ‌ها و راه‌کارهای آسان هستند».

نویسندگان در ادامه، به وضع اسلام در روسیه پس از شوروی پرداخته و بر پرونده جمعیتی، جغرافیایی، نهادی، اجتماعی - اقتصادی، ایدئولوژیک، و سیاسی آن تمرکز کرده‌اند. نویسندگان با اشاره به این‌که مسلمانان روسیه بزرگ‌ترین اقلیت این فدراسیون هستند، معتقدند «اگر جریان‌های مردم‌شناختی کنونی ادامه یابد، عنصر اسلام مهم‌تر هم خواهد شد» (هانتز و دیگران ۱۳۹۱: ۲۲۶). با این حال، این نگرش «وهم‌آلود روس‌ها» درباره «مسلمان شدن کشور در آینده نزدیک» را نابه‌جا دانسته‌اند و معتقدند که مسلمانان به علت برخورداری از آزادی بیش‌تر نسبت به گذشته، فقط «بیش‌تر به چشم آمده‌اند» (همان). به نظر کتاب، مسلمانان «هم‌چنان در شمار کم‌بهره‌ترین بخش‌های جمعیت روسیه از نظر سیاسی و فرهنگی باقی مانده‌اند ... نفوذ فرهنگی و سیاسی آنان در پایین‌ترین سطح مانده» و گرچه «تبعیض در سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی» در طول سده‌ها بر این وضعیت تأثیرگذار بوده، «اغلب نتیجه بی‌کفایتی جامعه مسلمان» نیز هست (همان: ۲۲۷). به نظر نویسندگان، در روسیه کنونی، گرایش‌های فزاینده‌ای برای تمرکز سیاسی و هم‌گون‌سازی فرهنگی وجود دارد که موجب شده تا «اسلام در حاشیه زندگی اجتماعی و سیاسی روسیه» باقی بماند، اما «جریان نوزایی در نمودهای فرهنگ اسلامی به‌سادگی از میان نخواهد رفت» (همان).

فصل دوم کتاب به سیاست‌های هویت‌بخشی در فدراسیون روسیه اشاره کرده و به نقش عامل اسلام در تکامل هویت ملی روسیه در دوره پس از شوروی توجه کرده است. نویسندگان در این فصل به بی‌اعتبار شدن فلسفه زیربنایی اتحاد شوروی پس از فروپاشی اشاره کرده‌اند که موجب مطرح شدن بحث‌هایی درباره هویت روسی و اجزای اصلی آن و هم‌چنین «ظهور یک‌باره تقاضاهای خودمختاری بیش‌تر» مسلمانان برای به‌جای آوردن آیین‌های اسلامی و به‌دست آوردن جایگاه قانونی و مشروع در عرصه جامعه، فرهنگ، و سیاست روسیه برای اسلام شده است (همان: ۳۵۳). به نظر نویسندگان، مسئله اصلی برای روسیه پس از شوروی این بوده که «آیا روسیه باید یک جامعه با فرهنگ روس‌محور و ارتدوکس باشد؟» (همان) اما مسائل دیگری هم به‌دنبال این مسئله اصلی مطرح بوده، از جمله این‌که «آیا روسیه بخشی از غرب است؟ یا زیست فرهنگی و ژئوپلیتیکی یگانه اوراسیایی دارد؟» (همان: ۳۵۴) به نظر نویسندگان، درخواست خشونت‌آمیز مسلمانان چچن

برای حق تعیین سرنوشت خود «ادعاهای فرهنگی اوراسیاگرایان را دال بر ترکیب متعادل فرهنگ روسی و سایر فرهنگ‌ها ... زیر سؤال می‌برد» (همان) به‌نظر نویسندگان، غیرروس‌ها، به‌ویژه مسلمانان روسیه، اوراسیاگرایی را «پوششی برای آرمان‌های جهان‌گشایانه روس‌ها» می‌دانند (همان).

نویسندگان در ادامه به نقش عامل اسلام در تکامل فدرال‌گرایی روسیه پرداختند و معتقدند که پس از یک دهه تردید، بالاخره خواسته‌های ملی‌گرایانه مسلمانان روسیه، به‌ویژه جدایی‌طلبی در چچن، سهم به‌سزایی در فدرال‌گرایی روسیه و تمرکزگرایی آن داشته و اقدامات رئیس‌جمهور پوتین برای تحکیم اقتدار حاکمیت مرکزی «تاحد زیادی در پاسخ به چالش چچن» بوده است و در نتیجه، «دولت متمرکز که سنت دیرینه روس‌ها بود، دوباره نقش اصلی را هم در دیدگاه عمومی و هم دیدگاه نخبگان بازیافت» (همان: ۴۲۲). به‌نظر نویسندگان، روسیه هم‌چنان با چالش‌های بزرگی در آینده مواجه است و آن اعطای حق تعیین سرنوشت به اقلیت‌های دینی و قومی خود در عین حفظ یک‌پارچگی سرزمینی و سیاسی کشور است و ارزیابی نویسندگان از توانایی روسیه در آمیختن این دو اصل «کاری دشوار اما نه غیرممکن است که میزان قدرت مردم‌سالاری را نیز آشکار می‌سازد» (همان: ۴۲۴).

در ادامه، نویسندگان به مردم‌سالارسازی و سیاست چندحزبی در روسیه پس از شوروی پرداخته و تأثیر این سیاست را بر بسیج و مشارکت سیاسی مسلمانان آزموده‌اند. به‌نظر آنان، چنان‌که از عملکرد احزاب و جنبش‌های اسلامی مانند حزب تجدد حیات اسلامی سراسری روسیه و نور اتحاد مسلمانان شوروی پیداست، این سازمان‌های سیاسی اسلامی «نتوانستند متناسب با میزان رأی‌دهندگان مسلمان روسیه بر حوزه سیاسی این کشور تأثیر بگذارند» (همان: ۴۷۸). علت این ناکامی از نظر نویسندگان، تا اندازه زیادی «دسته‌بندی‌های داخلی مسلمانان از نظر اقتصادی، جغرافیایی، قومی، و عقیدتی» مرتبط بوده که مانع از تشکیل حوزه انتخاباتی متحد حتی در سطوح منطقه‌ای شده است. از نظر نویسندگان این اثر، با وجود این که روسیه «بسیاری از ویژگی‌های یک نظام مردم‌سالار را دارد و از همه مهم‌تر، انتخابات آزاد و پایدار برای تعیین رهبری سیاسی برگزار می‌کند»، اما در عمل «مانع تشکیل حزب‌های فراگیر می‌شود» و احزاب مسلمانان اعم از دینی و قومی «قدرتی ندارند» و «تقلب و دخالت دولت، هم در سطح فدرال و هم در سطح منطقه‌ای، عملکرد و مشارکت این حزب‌ها را در انتخابات مختل می‌کند» (همان: ۴۷۹). موانع جدیدی که در دوره ریاست جمهوری پوتین برای تشکیل احزاب سیاسی ایجاد شده، از جمله این که باید ده‌هزار عضو

در دست‌کم نیمی از جمهوری‌ها و مناطق روسیه پراکنده باشد و ممنوعیت تشکیل احزاب قومی - دینی موجب حذف بیش‌تر احزاب موجود در کشور شده و جلوی ایجاد احزاب نوپا را نیز گرفته و محدودیت فعالیت گروه‌های دینی در قانون آزادی انجمن‌های معنوی و دینی سال ۱۹۹۷ «به‌طور چشم‌گیری فعالیت فعالان سیاسی و اجتماعی مسلمان را کاهش می‌دهد» (همان: ۴۸۰).

فصل سوم کتاب به بررسی عامل «اسلام» در روابط خارجی فدراسیون روسیه اختصاص یافته است. به‌نظر نویسندگان، در دوره پس از شوروی، سنت‌های سیاست خارجی روسیه و راه‌بردهای آن دست‌خوش تحولات گوناگون شده و هویت ملی و تغییرهای خارجی تأثیر مشهودی بر این تحولات داشته است. در یک دوره، سیاست خارجی و داخلی روسیه به‌شدت غرب‌گرا شد، اما خیلی زود دریافت که این انتظار باطلی خواهد بود که «با درآغوش کشیدن غرب، روسیه همانند ایالات متحده و غرب به کشوری نوگرا و مرفه تبدیل شود» (همان: ۵۳۵). اما در دوره بعدی، باز هم بی‌توجهی به واقع‌گرایی ژئوپلیتیک، اقتصادی، و فرهنگی این بار از سوی اوراسیاگرایان صورت گرفت. اوراسیاگرایان بی‌توجه به نقش قدرت‌های خارجی در کشورهای جانشین شوروی و هم‌چنین محدودیت‌های اقتصادی و مالی روسیه و ضعف در پاسداری از حوزه نفوذ انحصاری این کشور در فضای فرهنگی شوروی سابق درصدد بودند تا «امپراطوری را هرچند با شکل تازه‌ای، دوباره ایجاد کنند» (همان). به‌اعتقاد نویسندگان، دوره سوم سیاست خارجی روسیه پس از شوروی نیز که در جست‌وجوی جهان چندقطبی بود «برآمده از یک برداشت نادرست از واقعیت‌های اقتصادی، راه‌بردی، و فرهنگی جهان بود» که زود دریافتند که در صورت دشمنی با غرب، «مرکز هیچ قطبی در آینده نخواهند شد» (همان: ۵۳۵-۵۳۶). دوره چهارم با تصمیم روسیه برای پیوستن به ایالات متحده و اروپا در جنگ علیه تروریسم بین‌المللی همراه شد که نقطه آغاز آن عملیات علیه رژیم طالبان و شبکه تروریستی القاعده در افغانستان بود. به‌نظر نویسندگان، گرچه این تصمیم نیز مخاطراتی برای روسیه در کشورهای مستقل هم‌سود خود دارد، مسلماً کم‌تر از دشمنی با غرب بوده و «هرگونه ایده ائتلاف روسیه و مسلمانان علیه غرب را بی‌اعتبار کرد. حتی روس‌های مخالف غرب نیز در تصمیمی ناخوش‌آیند پذیرفتند که هم از نظر فرهنگی و هم از نظر منافع، با غرب مسیحی هم‌سانی بیش‌تری دارند تا با شرق مسلمان» و به این ترتیب، به‌نظر نویسندگان، در مسائل جهان اسلام، روسیه به‌نوعی رقابت و همکاری با غرب را ادامه خواهد داد، اما این‌که از میان دو قدرت اروپا یا ایالات متحده آمریکا به کدام‌یک جذب خواهد شد معلوم نیست (همان: ۵۳۶).

به نظر نویسندگان، گذشته از دوره کوتاهی که از آرمان‌های سوسیالیستی برای مقابله با میراث منفی سیاست‌های تزاری و استعمار بریتانیا و ایالات متحده و سازگاری اسلام و سوسیالیسم سوءاستفاده می‌شد،

اسلام هم در قلمروی اتحاد شوروی و هم در ورای آن، نه یک متحد طبیعی که بیش‌تر چالشی برای روسیه و سدی در راه اهداف آن بوده است. در مواقعی که اسلام به منافع روسیه کمک کرده، این کمک از راه سلبی انجام شده است ... ترس مشترک از اسلام تندر سبب نزدیک‌شدن روسیه و سران حاکم برخی جمهوری‌های شوروی و هم‌چنین بازیگران اصلی بین‌المللی مانند چین و هند شده است (همان: ۵۵۸).

اسلام به شکل تهدید فراگیر تندروی اسلامی، به نظر نویسندگان، تأثیری دوسویه داشته است: از یک سو، «به روسیه کمک کرد تا موقعیتش را در آسیای مرکزی تثبیت کند و شبکه‌ای از همکاری‌های امنیتی را با دولت‌های آسیای مرکزی برقرار سازد» (همان: ۶۰۵) و از سوی دیگر، در قفقاز جنوبی و به‌ویژه در داغستان و چین، به صورت «متغیر منفی» برای کنش متقابل روسیه با این منطقه عمل کند و موجب نفوذ و دخالت بیگانگان در این منطقه گردد (همان: ۶۰۶).

ارزیابی نویسندگان از تأثیر اسلام بر روابط روسیه با کشورهای عضو ستوی سابق، شامل افغانستان، پاکستان، ایران، و ترکیه متفاوت است و معتقدند که «بیش‌ترین تأثیر اسلام بر روابط روسیه با افغانستان و پاکستان محسوس بوده است»، زیرا آنان از شورشیان چین و دیگر عناصر تندر در دیگر بخش‌های فدراسیون روسیه حمایت کرده بودند، اما درباره ایران، با وجود مواضع همکاری‌جویانه آن، اسلام «تأثیر منفی داشته است» و موجب بدبینی پایدار به سیاست خارجی عمل‌گرایانه آن شده و بیش‌ترین عامل محدودکننده گسترش روابط روسیه - ایران سیاست آمریکا برای منزوی کردن ایران بوده است. این درحالی است که درباره ترکیه با وجود حمایت این کشور از جدایی‌طلبان چین و مشارکت آن در بازسازی تأسیسات زیربنایی مسلمانان روسیه و هم‌چنین شبکه‌های فرهنگی و آموزشی گسترده آن در فدراسیون روسیه، روسیه ترکیه را به عنوان «یک متحد غربی موردپذیرش و مهم» (همان: ۶۴۶) شناخته است.

اما در روابط روسیه با کشورهای عربی، به نظر نویسندگان، اسلام دارای تأثیر چندگانه‌ای بوده است. در برخی موارد، مانند عربستان سعودی و امارات متحده عربی، اسلام دارای «تأثیری بسیار منفی» بوده و در مواردی مانند مصر و اردن، «اهمیت حاشیه‌ای» داشته است

(همان: ۶۷۶). به‌نظر نویسندگان، جنگ عراق و مخالفت روسیه با جنگ موجب گرم‌شدن روابط این کشور با جهان عرب شد و در نتیجه، اسلام تأثیری مثبت گذارد (همان: ۶۷۷). نویسندگان هم‌چنین روابط روسیه پس از شوروی با غرب را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که تا پیش از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، روابط روسیه با غرب «نقش محدودی ... در سطوح منطقه‌ای و در زمینه مسائل یا کشمکش‌های ویژه منطقه» داشته، اما پس از این تاریخ، سرشت کلی روابط دست‌خوش دگرگونی شده است. از نظر نویسندگان، «غرب نسبت به روسیه استفاده موفقیت‌آمیزتری از اسلام داشته است» و از آن به‌مثابه ابزاری تأثیرگذار برای پیش‌برد اهداف خود بهره برده است. اما در روابط روسیه با غرب، اسلام «هم عامل جدایی و هم عامل اتحاد» بوده است، اما ظرفیت وحدت‌بخش آن ممکن است «تا هنگامی که مسلمانان از روسیه و غرب ناخشنود باشند، اهمیت داشته باشد» (همان: ۷۰۰).

البته نویسندگان پرسش‌های بسیاری را هم در مقدمه کلی کتاب و هم در ابتدای هر فصل مطرح می‌کنند که توجه خواننده را به‌خوبی به موضوع کتاب و هر فصل جلب می‌کنند. سؤال اصلی نویسنده این است که باتوجه‌به این که مسلمانان هویت قومی و مذهبی متفاوتی با اکثریت قوم روس ارتدوکس مسیحی دارند، چگونه این اقلیت مسلمان می‌تواند ضمن حفظ آرمان‌های تاریخی و فرهنگی و سیاسی و قومی خود، در جهت تقویت هویت ملی مدنی روسیه گام بردارد؟ و در مقابل نیز آیا دولت فدراسیون روسیه گام‌هایی در این زمینه برمی‌دارد تا یک‌پارچگی ملی دولتی را تقویت کند؟ البته به‌نظر می‌رسد نویسندگان به‌دنبال نظریه‌پردازی کلان هم باشند، زیرا در مقدمه خود، پس از ذکر این پرسش‌ها یادآوری کرده‌اند که «این کتاب می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که آیا مردم و فرهنگ‌های گوناگون می‌توانند در بستر چندقومی و چنددولتی رشد کنند، بدون آن‌که برای خودگردانی ... بجنگند» (همان: ۲۸).

این اثر با استناد به منابع خود، بر این یافته تأکید دارد که شوروی در آرزوی «انسان شوروی، انسانی با هویتی جدید، جدا از همه هویت‌های پیشین» نتوانست به هدف خود برسد و «این طرح آرمانی هیچ‌گاه محقق نشد» و «دربرابر ایده درهم‌آمیختن مردمان، هم مسلمانان و هم روس‌تبارها، ایستادگی می‌کردند» (همان: ۲۳۵)، اما در دوره پس از شوروی، کلیسای ارتدوکس و تشکیلات مسلمانان روسیه درباره «جلوگیری از ادامه ورود باورهای غیربومی به روسیه، عرصه همکاری مشترک» یافته‌اند (همان: ۲۱۹). با این حال، این همکاری مشترک، به‌نظر کتاب، بیش‌تر از آن‌که به نفع مسلمانان روسیه باشد، مسیحیت روسیه و

مسکو را به «روم سوم، نه مکّه دوم» تبدیل کرده که بعد از روم کاتولیک و کنستانتینوپل دوره بیزانس، آن را به وارث امپراطوری بیزانس تبدیل کرده است (همان: ۲۲۰).

به نظر نویسندگان، میان مفتیان و رهبران مسلمان روسیه، به‌ویژه مفتی راویل عین‌الدین که از تبار تاتار است و مفتی طلعت تاج‌الدین که از تبار باشقیری است، اتفاق نظر نیست و با هم بر سر رهبری مسلمانان رقابت می‌کنند. مقامات روسی از جمله پوتین از این تفرقه به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند (همان: ۲۱۰، ۲۱۶) و به‌طوری‌که حتی اسلام در میان مسلمانان مانند چین‌ها «به‌منزله ابزار ملی‌گرایی» شده است که با جنگ‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۶ خود در پی جدایی از روسیه بوده‌اند (همان: ۲۳۸). البته به نظر نویسندگان، ملی‌گرایی دو نوع است که نوع غربی آن ویژگی «مدنی» دارد و در این تفسیر از ملی‌گرایی، «شهروندی بدون توجه به ریشه‌های قومی، تعیین‌کننده ملیت فرد است ... و آنچه مردم را به جامعه پیوند می‌دهد مجموعه اصول عام قانونی و اخلاقی، به‌ویژه سرشت برابری‌طلبی آن، دست‌کم از جنبه نظری است»، درحالی‌که نوع شرقی ملی‌گرایی «به عناصر قومی به‌مثابه هسته هویت ملی تأکید می‌کند». البته نویسندگان معتقدند این دو نوع نگرش اصلی‌اند و نگرش دیگری به‌نام «نگرش جنوب» هم هست که اصلی نیست و طبق آن، «دین بنیان‌های ملیت و هویت ملی را تعریف می‌کند» (همان: ۲۵۳).

به نظر نویسندگان، دو گروه اصلی سیاست‌گذاران روسیه، یعنی اوراسیاگرایان و ارو-آتلانتیک‌گرایان، از اسلام و خطر تندروان آن و گسترش به جمهوری‌های پیشین شوروی و جمهوری‌ها و مناطق فعلی فدراسیون روسیه به‌عنوان «مسئله» یاد کرده که آن‌ها را «نگران» می‌کند، اما تفاوت این دو گروه «در برخورد با مسئله اسلام و جهان اسلام» را در «راه‌کارهای آن‌ها» عنوان می‌کنند (همان: ۵۱۲). به نظر نویسندگان، «اتحاد بزرگ روس‌ها-مسلمانان» در دیدگاه اوراسیاگرایان هم مانند «یکی شدن منافع روسیه - غرب» در دیدگاه ارو-آتلانتیک‌گرایان، «تصور ... ساده‌لوحانه» ای بیش نیست (همان: ۵۱۳). به نظر آنان، «افزون بر چین و افغانستان، در سه مورد دیگر نیز اسلام در راه پیش‌برد روابط روسیه و غرب سنگ‌اندازی می‌کرد: ... بوسنی، کوزوو و ... ایران» (همان: ۶۸۴).

نویسندگان درباره دین اسلام و ارتباط آن با دموکراسی معتقدند:

این اسلام نیست که گسترش مردم‌سالاری را در کشورهای مسلمان به عقب می‌اندازد، بلکه سنت‌های سیاسی جوامع مسلمان که برپایه حاکمیت استبدادی داخلی و یا خارجی استوار شده‌اند و هم‌چنین میزان رشد اجتماعی و اقتصادی آنان به‌ویژه نبود طبقه متوسط نیرومند است که موجب این دشواری شده است (همان: ۴۲۸).

نویسندگان معتقدند که اسلام تندرو نه تنها برای روسیه، بلکه برای چین و هند نیز یک «مسئله ... نگران‌کننده» است و همین موجب تشکیل پیمان منطقه‌ای شانگهای شده است (همان: ۵۲۴). به نظر نویسندگان، پوتین با وجود احترامی که به ایده هویت ملی روسیه می‌گذارد، در پی یک پارچگی با اروپاست و بیش از آن که کشوری آسیایی یا ارواسیایی باشد، روسیه را «کشوری اروپایی می‌داند» (همان: ۵۲۷). البته اروپا چندان رغبتی به این پیوند ندارد، زیرا مایل نیست با پیوستن روسیه به اروپا، با چین هم‌مرز شود و روسیه نیز با الزام‌های اروپا درباره حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها مشکل دارد (همان: ۵۲۸). نویسندگان از اسلام و مسلمانان و هم‌چنین ایران اسلامی به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی با غرب و ایالات متحده برای به دست آوردن امتیازات و جایگاه مناسب شأن خود به عنوان ابرقدرت استفاده می‌کند و این «چالش مشترک» پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ «موجب تجدد روابط روسیه با غرب شده است» (همان: ۵۵۸). حتی اسلام‌گرایان میانه‌رو نیز برای روسیه و سازمان شانگهای «اهداف منحرف» دارند که برای رسیدن به آن‌ها از «تبلیغ برای مردم‌سالاری و حقوق بشر به مثابه پوشش» استفاده می‌کنند (همان: ۵۷۷).

۳. نقد اثر

این اثر در شناخت وضع مسلمانان روسیه و ارتباط متقابل آن‌ها با دولت فدراسیون روسیه از ارزش والایی برخوردار است. این اثر به خوبی از مزیت جدول برای تفهیم آمار و اطلاعات تطبیقی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی بهره برده و در فصل اول ۸ جدول و در فصل دوم نیز ۲ جدول و یک نمودار هم در فصل اول ارائه کرده است. طرح روی جلد و آرایش کتاب نیز زیباست. در روی جلد، تصویری از کرملین (قلعه) قازان، مرکز جمهوری تاتارستان که نمادهای اسلامی دوره خان‌نشینی قازان و هم‌چنین مسجد زیبای قل شریف را در کنار کلیسای ارتدوکس در خود جای داده، به نمایش گذاشته است که با عنوان «اسلام در روسیه ارتدوکسی» هم‌خوانی دارد. البته کتاب اصلی، که به زبان انگلیسی در سال ۲۰۰۴ منتشر شده، بدون هرگونه تصویر و نقش و نگار و تنها به صورت سیاه و سفید است.

در حروف‌نگاری این اثر و در انتخاب قلم فارسی نیز دقت زیادی به کار رفته است. نوع قلم‌های فارسی و انگلیسی نیز، چه در متن و چه در پانوش و منابع پایانی، کاملاً یک‌دست است و صرف‌نظر از کم‌رنگی در چاپ برخی صفحات که خوانش متن را با دشواری

مواجه می‌کند (همان: ۳۱۰-۳۱۱)، مشکل قابل توجهی مشاهده نشد. کتاب در اندازه و زبانی و با جلد کاغذی و روکش سلفون تهیه شده و از قوام خوبی برخوردار است. باین‌حال، اشکالات و کاستی‌های مختلفی نیز در پنج بخش شکلی، ساختاری، منابع و ارجاعات، محتوایی، و معادل‌یابی مشاهده شد که علت بخشی از این اشکالات تعدد نویسندگان و مترجمان و گستردگی منابع مورد استفاده بوده است، اما همان‌طور که شیرین تهماسب - هانتر در «سرآغاز» نوشته، «به‌تنهایی پاسخ‌گوی هر نوع نارسایی در بیان واقعیت‌ها یا ارزیابی آن‌ها» است (همان: ۲۰) و در «مقدمه مترجمین» نیز الهه کولایی «مسئولیت نارسایی‌های برگردان این متن» را برعهده گرفته است (همان: ۱۲) امید می‌رود در چاپ‌های بعدی این اشکالات رفع شود.

۱.۳ کاستی‌های شکلی

کتاب با وجود این‌که از صفحه‌آرایی مطلوب و حاشیه‌های مناسب در اطراف برخوردار است، در مورد نقل قول‌های مستقیم بیش از سه خط، که باید با حاشیه بیشتر همراه شود، این قاعده همه‌جا رعایت نشده است (همان: ۸۶ ارجاع ۱۳۳، ۲۱۹-۲۲۰ ارجاع ۳۶۱). حروف‌نگاری این اثر هم با وجود دقت بسیار، اغلاط چاپی دارد که به برخی از آن‌ها در جدول زیر اشاره شده است:

جدول ۱. اغلاط چاپی

نشانی	اشتباه	درست
ص ۴۹، بند ۲، خط ۱	آقامحمدخان	آغامحمدخان
ص ۴۹، بند ۲، خط ۸	ترکمان‌چای	ترکمنچای
ص ۱۰۵، بند ۱، خط ۵	۷ بخش از ۸ بخش فدراسیون	۷ واحد از ۸۹ واحد فدراسیون
ص ۳۵۹، خط ۱۱؛ ص ۳۸۸، بند ۲، خط ۵	۸۹ استان روسیه	۸۹ واحد سرزمینی روسیه
ص ۴۰۲، بند ۱، خط ۱۱	مرکز فدرال و استان‌ها	مرکز فدرال و جمهوری‌ها
ص ۴۴۴، بند ۲، خط ۱۵	۸۹ جمهوری و منطقه	۸۹ واحد سرزمینی
ص ۴۶۸، بند ۳، خط ۳	۶۳ منطقه و استان	۶۳ واحد سرزمینی
ص ۱۱۹، بند ۲، خط ۳؛ ص ۱۴۰، بند ۲، خط ۲؛ ص ۱۸۵، بند ۲، خط ۲؛ ص ۱۸۶، بند ۲، خط ۷	ولگوگراد	ولگاگراد
ص ۱۶۵، خط ۱	استیای شمالی	اوستیای شمالی

نشانی	اشتباه	درست
ص ۱۸۶، بند ۲، خط ۹	۱.۳۸۲.۴	۲.۳۸۲/۴
ص ۱۸۷، بند آخر	۳.۱۴۱.۲ ... ۳.۶۴۶.۱ ... ۴.۰۶۰.۳ ۲.۷۶۸.۳ ... ۳.۵۷۸ ... ۳.۰۸۰.۵	۳.۱۴۱/۲ ... ۳.۶۴۶/۱ ... ۴.۰۶۰/۳ ۲.۷۶۸/۳ ... ۳.۱۳۴/۲ ... ۳.۰۸۰/۵
ص ۱۹۱، بند آخر، خط ۱۳؛ ص ۱۹۲، بند ۱، خط ۲	کلاشینکف	کلاشینکف
ص ۲۱۱، بند ۲، خط آخر	رهبران روسیه	رهبران مسلمان روسیه
ص ۲۱۷، بند ۲، خط ۱	کلیسای تثلیث مقدس	کلیسای تثلیث یا سه‌گانه مقدس
ص ۲۹۴، بند ۲، خط ۲	پیش از آن	پیش از آن
ص ۷۴۸، منبع ۲۶۶	۲۶	۲۶۶
ص ۸۰۷، منبع ۳۳	به‌دنبال فروپاشی اتحاد شوروی، دولت ایران ماده ۶ پیمان ۱۹۹۲ را بی‌اعتبار اعلام کرد.	به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، شورای انقلاب اسلامی دو ماده ۵ و ۶ از عهدنامه مودت ۱۹۲۱ را به‌طور یک‌جانبه فسخ کرد.

در این کتاب، قواعد عمومی نگارشی و کاربرد درست علائم ویرایشی به‌خوبی رعایت شده، اما به‌طور خاص، در کاربرد ویرگول برای جداسازی بدل از اسم، دقت لازم نشده است. برای نمونه، می‌توان به بدل‌های مشاغل افراد اشاره کرد (همان: ۶۱، بند ۱، خط ۷؛ ۸۶، بند ۱، خط ۲؛ ۹۵، بند ۲، خط ۴؛ ۱۰۳، بند ۱، خط ۵؛ ۱۴۸، بند ۴، خط ۴؛ ۱۹۲، بند ۱، خط ۵). در مواردی نیز از واژگان گوناگون برای تبیین یک مفهوم استفاده شده که بهتر بود یک‌دستی در این زمینه رعایت می‌شد، مانند سرایت یا گسترش (همان: ۲۷۳)؛ خودکامه یا مستبد (همان: ۲۹۰) هم‌چنین است درباره «دومای کشوری» (همان: ۲۰۸، بند ۱، خط ۴؛ ۳۲۶، بند ۲، خط ۷) که درست آن، همان‌طور که مترجمان هم در جایی آورده‌اند، «دومای دولتی» است (همان: ۴۲۰، خط ۴).

۲.۳ کاستی‌های ساختاری

متن در فصول و بخش‌های خود از انسجام و تناسب مطلوبی برخوردار است، اما در مواردی اشکالاتی در آن مشاهده شد، از جمله در جایی، عوامل مختلفی به‌عنوان جاذبه‌های اسلام تندرو برای مسلمانان روسیه شمرده شده که سومین آن «قومی - فرهنگی و سیاسی» است (همان: ۱۶۶)، ولی در توضیح این عامل، ضمن آن‌که واژه «قومی» در عنوان این بحث حذف شده، در داخل متن نیز فقط به عوامل «سیاسی - اجتماعی و فرهنگی» بسنده شده است (همان: ۱۶۸). این کتاب به چهار بخش از اصول اساسی برنامه اجتماعی مسلمانان

روسیه اشاره کرده، اما شماره این بخش‌ها ۱، ۶، ۷، و ۸ است (همان: ۱۸۱) که نشان از رعایت‌نشدن ترتیب در نام‌گذاری است. عنوان بخش ۶ نیز به «ایستارهای مسلمانان نسبت به پیروان دین‌های دیگر» اختصاص یافته، درحالی‌که در توضیح این عنوان، فقط بر دیدگاه مسلمانان دربارهٔ خلاف‌کاران مسلمان و کسانی که دزدی کرده یا مرتکب قتل می‌شوند، اختصاص یافته و این‌که اینان دیگر مسلمان قلمداد نمی‌شوند (همان: ۱۸۰-۱۸۱).

«چهارچوب تمدنی» که روسیه باید خود را بر مبنای آن تعریف کند (همان: ۲۸۸) مبهم است و باید همان‌طور که این بخش «چالش‌های تمدنی غرب» نامیده شده، به «چالش‌های تمدنی» تغییر یابد تا قابل فهم شود. در همین زمینه، نویسندگان نتوانسته‌اند به نتیجه برسند که در نهایت، پس از تهاجم آلمان به روسیه در جنگ دوم جهانی، غرب به یک «تهدید همیشگی چه به صورت بالفعل یا بالقوه» برای روسیه تبدیل شده است یا «دست‌کم رقیبی جدی» بوده است (همان: ۲۸۹).

۳.۳ کاستی‌های منابع و ارجاع

نویسندگان در زمینه‌های مختلف از منابع گوناگونی از کتاب و مقاله گرفته تا خبر و مصاحبه استفاده کرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، شیرین تهماسب - هانتز، به‌عنوان نویسندهٔ مسئول کتاب، از اعتبار مناسبی برای سفر به روسیه و بهره‌برداری از منابع روسی هم برخوردار شده و در نتیجه، از منابع بسیار باارزشی بهره‌مند شده، اما معلوم نیست باتوجه‌به این‌که نام‌برده خود ایرانی‌تبار و فارس‌زبان است، چرا در بخش‌هایی که به ایران و جنبش جنگل مربوط است از منابع فارسی بی‌بهره مانده است؟ از این نقص بارز که بگذریم، روش مورد استفادهٔ این کتاب برای ارجاع به منابع به صورت پی‌نوشت است و این روش باتوجه‌به گستردگی متن کتاب (۸۵۴ صفحه) کار مراجعه به منابع هر فصل در پایان کتاب را دشوار می‌کند. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین شیوه در این‌گونه متون روش ارجاع درون‌متنی یا پانوشت باشد.

در مواردی، درحالی‌که از گیومه برای نشان‌دادن نقل قول مستقیم استفاده شده، از ذکر منبع مورداستناد غفلت شده، مانند نقل قول از سعید بایف (همان: ۲۵) و نقل قول از الکسی مالاشنکو (همان: ۲۶). در جای دیگر، ضمن معرفی فعالیت‌های حزب اتفاق، به دستورکار این حزب اشاره شده، اما منبعی برای آن ارائه نشده است (همان: ۶۲). در جای دیگر نیز به عنصر کانونی قومی و فرهنگی روس به‌نقل از ایگناتیف اشاره شده (همان: ۳۰۸)، اما باز از

ذکر منبع آن غفلت شده است. در مواردی نیز به دیدگاه افرادی مانند زیرینفسکی اشاره شده، اما به منبع دیگری ارجاع شده (همان: ۳۲۲، ارجاع ۲۹۲) که قاعدتاً باید از عبارت «به نقل در منبع» استفاده می‌شد. هم‌چنین به نظر نورتیج استناد شده (همان ۱۳۹۱: ۴۹۱، ارجاع ۱۲)، اما در منبع موردارجاع، علاوه‌بر نورتیج، از روزنا هم یاد شده است (همان: ۷۹۷، ش ۱۲).

۴.۳ کاستی‌های محتوایی

نخستین کاستی محتوایی کتاب ناکامی در دست‌یابی به هدف نگارش آن است. نویسندگان هدف از نگارش این کتاب را به‌صراحت تمام در مقدمه خود اعلام کرده‌اند که «تحلیل وضعیت کنونی اسلام و مسلمانان روسیه و ارزیابی تأثیر عامل اسلام در تحول شرایط داخلی و روابط خارجی روسیه ... و تعیین جهت‌گیری محتمل‌تر جامعه و حکومت در روسیه و وضعیت مسلمانان در جامعه درحال دگرگونی روسیه است» (همان: ۲۷). البته نویسندگان در جای دیگر تأکید می‌کنند که این کتاب علاوه‌بر «روسیه، اسلام و روابط این دو با یک‌دیگر در طول سده‌های گذشته» می‌خواهند به «ادامه آن در آینده» نیز پردازند (همان: ۲۸). اما محتوای کتاب بیش‌تر به گذشته و بخشی هم به وضع موجود تا سال ۲۰۰۳ م پرداخته و اثری از آینده‌نگری این وضع مشاهده نشد و به‌نظر می‌رسد این مهم به خوانندگان واگذار شده باشد.

کاستی دیگر در این زمینه این است که نویسندگان باوجوداین که از منابع بسیاری به زبان انگلیسی و روسی برای نگارش کتاب بهره برده‌اند، هیچ‌گاه به نقد این منابع گوناگون و بعضاً ضدونقیض پرداخته‌اند و هر اطلاعات ناسازگاری را نیز به‌نقل از این منابع منعکس کرده‌اند. برای نمونه، درباره تعداد مسلمانان روسیه به‌نقل از منابع مختلف، برآوردهای «واقع‌بینانه‌تر» ذکر شده، اما در یک‌جا این برآورد «بین ۷ تا ۹ میلیون نفر» (همان: ۱۰۱) و در جای دیگر «۱۵ تا ۲۰ میلیونی» ذکر شده که بالاخره معلوم نیست کدام «واقع‌بینانه‌تر» است. مترجمان نیز بدون آن‌که برخی مفاهیم و رخداد‌های این اثر را تشریح کنند، صرفاً به ترجمه آن اکتفا کرده‌اند و جز یک مورد (همان: ۱۳۶، پانوشت ۱) که پیش‌بینی نویسندگان کتاب اصلی درباره افتتاح مسجد قل شریف قازان در دو سال دیگر (۲۰۰۵) را تأیید می‌کنند، هیچ نقد، اصلاح، یا اضافه‌ای انجام نداده‌اند. مترجمان در بخش مقدمه خود، جمعیت روسیه را «اینک بیش از ۱۴۱ میلیون نفر» (همان: ۹) آورده‌اند، درحالی‌که طبق برآورد نویسندگان کتاب اصلی، جمعیت روسیه ۱۴۵ میلیون نفر بوده است (همان: ۲۱، ۱۰۳). با

این تفاوت که آمار مترجمان مربوط به سال ۱۳۹۱ است و آمار نویسندگان سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ م). آمار تخمینی سال ۲۰۱۴ از جمعیت روسیه ۱۴۲/۴۷۰ میلیون نفر بوده است (https://www.cia.gov/.../rs.html).

در مواردی، تسلسل تاریخی رعایت نشده مانند «ترور نادرشاه افشار در جریان نبرد او در داغستان در سال ۱۷۴۷ در ایران» (هانتر و دیگران ۱۳۹۱: ۴۹) که باید ترور نادرشاه افشار به بعد از نبرد او انتقال می‌یافت. هم‌چنین است «ترور آقامحمدخان در سال ۱۷۹۷ و مرگ کاترین در ۱۷۹۶» (همان: ۴۹) که باید جابه‌جا می‌شد. ذخایر گازی روسیه و ایران «به‌ترتیب ۵۰ و ۱۳ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان» ذکر شده (همان: ۶۳۹)، درحالی‌که طبق آمار، حتی در زمان انتشار کتاب اصلی و ترجمه کتاب، هیچ‌گاه روسیه بیش‌تر از ۳۰ درصد و ایران بیش‌تر از ۱۵ درصد این ذخایر را در اختیار نداشته‌اند. طبق آمار مرکز اطلاع‌رسانی انرژی ایالات متحده آمریکا، این نسبت در سال‌های مختلف به‌قرار زیر بوده است:

جدول ۲. میزان ذخایر گاز ایران و روسیه در مقایسه با جهان به تریلیون فوت مکعب

۲۰۱۴	۲۰۱۰	۲۰۰۸	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۰	
۱۱۹۳	۱۰۴۵	۹۴۸	۹۴۰	۸۱۲	۸۱۲	ایران
۱۶۸۸	۱۶۸۰	۱۶۸۰	۱۶۸۰	۱۶۸۰	۱۷۰۰	روسیه
-	۶۶۳۸	۶۲۱۳	۶۰۷۹	۵۵۰۵	۵۱۵۰	جهان

Source: <http://www.cia.gov>

باوجود تلاش نویسندگان و هم‌چنین مترجمان این اثر برای رعایت بی‌طرفی علمی در توصیف و تبیین داده‌ها و یافته‌ها، در مواردی مشاهده شده که به‌سبب استناد به برخی منابع مغرض، این بی‌طرفی خدشه‌دار شده است. برای مثال، وقتی به عهدنامه مودت ۱۹۲۱ شوروی و ایران اشاره می‌کند، به آن‌همه امتیاز استعماری روسیه تزاری که به ایران بخشیده شد (نوازی ۱۳۶۹) این‌گونه اشاره می‌کند: «این قرارداد، به ایران چند امتیاز داد و بسیاری از امتیازهایی را که پیش از این حکومت تزاری به‌دست آورده بود حفظ کرد» (هانتر و دیگران ۱۳۹۱: ۵۴۶).

نویسندگان تفاوتی میان قوم مغول، که پس از چنگیزخان سراسر روسیه را به اشغال خود درآوردند، و تاتارها، که بخشی از سپاهیان ارتش مغول در این پیش‌روی بودند، قائل

نشده‌اند و ورود اسلام به روسیه را مصادف با اسلام‌آوردن ازبک‌خان در اردوی طلایی می‌دانند (همان: ۳۵) و این‌که از این دوره ۱۳۱۲-۱۳۴۳ بود که «سیمای اسلام و مغول‌ها در آمیخت» و از همین رو بود که «اسلام به تصویر «دیگری» دشمن تبدیل شد» (همان: ۲۶۱)؛ در حالی‌که پیش از این‌ها، پادشاهی بلغار در حوزه ولگا از سوی مبلغان عرب با اسلام آشنا شده و به آن ایمان آورده بودند و این ایمان پیش از پذیرش مسیحیت از سوی دولت کی‌یف و اسکان قوم اسلاو به‌طور گسترده در این منطقه بوده است (همان: ۲۸۳). البته نویسندگان به این موضوع در جای دیگری اشاره کرده‌اند که «تاتارها و باشقیرها نخستین مسلمانانی بودند که به امپراطوری روسیه پیوستند» (همان: ۴۶).

دوره زمام‌داری استالین در روسیه در این کتاب از ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۳ ذکر شده (همان: ۷۷) و سپس این دوره در جای دیگری (همان: ۷۸) به ۳۱ سال افزایش و پس از دو خط، به ۳۰ سال کاهش یافته، در حالی‌که فاصله ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۳ یک دوره ۲۵ ساله بیش‌تر نیست. واقعیت این است که استالین از سال ۱۹۲۲، که لنین به بستر بیماری افتاد، به دبیرکلی حزب کمونیست شوروی رسید و تا ۱۹۲۴، که لنین از دنیا رفت، به تمرکز قدرت در دستان خود مشغول بود و تا ۱۹۵۲ که سمت دبیرکلی را حذف کرد، در این سمت باقی بود و سال بعد خود نیز از دنیا رفت (<http://www.encyclopedia.com>).

جدول ۱-۱ در این کتاب تعداد مساجد ثبت‌شده در سال ۱۹۸۶ را به‌نقل از یک منبع، ۱۸۹ مسجد معرفی می‌کند (هانتز و دیگران ۱۳۹۱: ۸۵)، در حالی‌که در جای دیگر و به‌نقل از منبعی دیگر، به ۹۴ عدد کاهش می‌دهد (همان: ۱۳۱). آمار و ارقام جدول ۲-۲ نیز با توضیحی که از این جدول آمده (همان: ۱۰۹) متفاوت است. در توضیح جدول، از شمار کل سازمان‌های اسلامی در سال ۲۰۰۱، تعداد ۴۱۴۰ در ۶۵ منطقه فدراسیون روسیه ذکر شده (همان: ۱۰۹)، در حالی‌که در درون جدول از سال ۲۰۰۰ و تعداد ۴۱۲۷ سازمان در ۶۲ منطقه یادشده است (همان: ۱۱۳).

به نوشته کتاب، نظام دولت پس از وستفاليا، منجر به تضعیف «قدرت روم» شد (همان: ۲۹۱)، در حالی‌که امپراطوری این زمان در اروپا امپراطوری مقدس روم - ژرمن با مرکزیت وین و خاندان هابسبورگ بوده است، نه امپراطوری روم (نقیب‌زاده ۱۳۹۲: ۱۹).

در جایی از کتاب آمده است: «تا پیش از انقلاب بلشویکی سال ۱۹۱۷ و سپس پیدایش فاشیسم و نازیسم، قدرت تعیین‌کننده سیاست بین‌المللی بوده و نه ایدئولوژی» (هانتز و دیگران ۱۳۹۱: ۴۹۶)، اما نویسندگان بلافاصله این ایده را رد کرده‌اند بی‌آن‌که خود توجه

کرده باشند، چراکه می‌افزایند «هرچند ایالات متحده آمریکا ورود خود به جنگ جهانی اول را با دلایل ایدئولوژیکی‌ای چون برقراری صلح در جهان برای گسترش مردم‌سالاری توجیه کرد»؛ به این ترتیب، خود نویسندگان شواهد بسیاری برای نقض این نظر ارائه کرده‌اند که تناقض‌گویی کتاب را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد که این مطلب منکر ایدئولوژیک بودن روابط بین‌الملل پس از جنگ دوم جهانی باشد، اما باز نویسندگان در ادامه به دوره رقابت سرد اتحاد شوروی با سرمایه‌داران لیبرال غربی برای «تعیین سرنوشت بشریت» اشاره و تصریح می‌کنند که «سیاست بین‌المللی تاحد بسیاری، تحت تأثیر ایدئولوژی قرار داشت» و این رقابت «همه جنبه‌های اصلی مسائل بین‌المللی را فراگرفت» (همان: ۴۹۶-۴۹۷).

۵.۳ کاستی‌های معادل‌یابی

نخستین کاستی در این زمینه عدم ارائه ترجمه فارسی مناسب از عنوان انگلیسی کتاب است و به نظر می‌رسد مترجمان در تعیین معادل فارسی مناسب برای عنوان انگلیسی اثر دچار مشکل شده باشند. عنوان اثر در زبان انگلیسی *Islam in Russia: the Politics of Identity and Security* است، اما در ترجمه فارسی این عنوان، واژه «Politics» به اشتباه «سیاست‌ها» ترجمه شده، در حالی که معادل درست آن «سیاست» به صورت مفرد است. از این گذشته، ترکیب اضافی «Politics of identity and Security» به صورت ترکیب وصفی «هویتی و امنیتی» ترجمه شده است، در حالی که اگر نویسندگان چنین معنایی را در ذهن می‌داشتند، باید عنوان به صورت «The Identity and Security Policies» تغییر می‌یافت. در واقع، از نظر نویسندگان کتاب اصلی، «هویت و امنیت» جوهره‌ای متشکل فرض شده و هدف کتاب تشریح «سیاست هویت و امنیت» بوده است، نه این که دو موضوع جداگانه با سیاست‌های متفاوتی منظور باشند.

مترجمان این اثر به پیروی از متن انگلیسی کتاب اصلی، در برگردان معادل واژگان و عبارات از زبان انگلیسی و گاهی اوقات از هر دو زبان انگلیسی و روسی بهره برده‌اند، به طوری که حتی برای نام‌های عربی مسلمانان و اماکن مسلمانان نیز چنین کرده‌اند. در حالی که به نظر می‌رسد با توجه به این که موضوع کتاب مسلمانان روسیه است و زبان آنان نیز روسی است، مناسب بود این معادل‌ها همگی فقط به زبان روسی ارائه می‌شد یا به برگردان عربی - فارسی در متن بسنده می‌شد تا به انسجام معادل‌ها خللی وارد نشود. برای نمونه، مترجمان از «ملیت مجلسی» به گویش تاتاری - ترکی و «مجلس ملی» به گویش

فارسی و انگلیسی استفاده کرده‌اند (همان: ۶۵) یا برای چندین نام خاص، معادل‌های روسی و انگلیسی آورده‌اند (همان: ۱۷۲، ۲۳۵)، اما در جایی که باید معادل «فارسستان» را به زبان روسی معرفی می‌کردند (همان: ۲۶۶) از ارائه آن خودداری شده است.

درباره ترجمه واژگان تاتاری به فارسی هم باید به نکته‌ای توجه کرد که از نگاه مترجمان به دور مانده است. در زبان تاتاری، سه لهجه اصلی غربی (میشاری)، مرکزی (قازانی)، و شرقی (سیبری) شناخته شده است که با هم تفاوت‌هایی دارند. در این اثر، با توجه به این که مسلمانان عمدتاً اهل جمهوری تاتارستان و مرکز آن، قازان، بوده‌اند، نام‌ها هم باید به لهجه مرکزی تلفظ و نگاشته می‌شد. تاتارهای مرکزی به خاطر نفوذ زبان روسی، معمولاً صدای «ح» را به صورت «خ» مانند نام حکیمف (Khakimov) و «ق» را به صورت «ک» مانند نام شهرهای قازان و قیرف که به (Kazan و Kirov) درآمده است، بیان می‌کنند. تاتارهای مرکزی صدای «ع» را نیز شدیدتر و شبیه به صدای «غ» تلفظ می‌کنند و از این رو، اغلب با حرف «گ» بیان می‌شود، مانند علی‌یف که از اسم «علی» ناشی شده و در فارسی برابر با «علوی» است، ولی به هنگام نگارش به روسی و لاتین، به شکل غلییف (Galeiv) نوشته و بیان می‌شود. بر همین اساس، برخی دیگر از نام‌ها نیز مانند عبدالله، عین‌الدین، و عثمان به تاتاری و روسی به ترتیب گابدولا، گابنودین، و گوسمان گفته می‌شوند. البته باید توجه کرد این قاعده فقط در برگردان اسامی‌ای که از عربی و فارسی به تاتاری و روسی رفته‌اند استفاده می‌شود و نمی‌توان آن را درباره اسامی روسی مانند کوزییف (Kuzeev) استفاده کرد، زیرا به علت روسی بودن آن، کوزییف خوانده نمی‌شود (حکیمف ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷). کاستی دیگر مترجمان در رعایت نکردن یک‌دستی در ارائه معادل‌هاست، به طوری که معادل برخی از واژگان با معادل رایج آن در زبان فارسی متفاوت است که به شرح جدول زیر توصیه می‌گردد:

جدول ۳. معادل‌های فارسی واژگان ترجمه شده

نشانی	اشتباه	درست
ص ۲۱، بند ۱، خط ۵، و ۸ ص ۲۵۹، بند ۲، خط ۸ ص ۱۷۹۶، منبع ۱	روسیه سفید	بیلوروسیه
ص ۴۲، بند ۲، خط ۴؛ ص ۲۴۸، بند ۱، خط ۲؛ ص ۲۵۱، بند ۱، خط ۱۰؛ ص ۲۵۲، خط ۲؛ ص ۴۸۵، بند ۱، خط ۵	ملت - دولت	دولت - ملت مشابه معادل فرانسوی État-nation
ص ۴۸، بند ۳، خط ۶	اسلام ارتدوکس	اسلام راستین یا اسلام سنتی

نشانی	اشتباه	درست
ص ۱۹۵، بند ۳، خط ۱۰	مسلمانان راست‌آیین‌تر	مسلمانان سستی‌تر
ص ۵۳، بند ۲، خط آخر و ص ۵۴ بند ۲، خط ۷؛ ص ۳۴۸، بند ۱، خط ۳	جنبش جدیدی	جنبش تجددگرا
ص ۷۷، بند ۲، خط ۶	شورویایی‌شدن	شورایی‌شدن
ص ۷۷، بند ۳، خط آخر	بربری	وحشیانه
ص ۱۳۴، بند ۲، خط ۷؛ ص ۱۷۶، بند ۱، خط ۶ و ۱۱؛ ص ۳۷۸، خط آخر	کاباردینو - بالکار	کاباردینو - بلغار
ص ۱۹۶، بند ۱، خط ۳	شهر کوچک ولگا در بولگار جمهوری تاتارستان	شهر کوچک بلغار در جمهوری تاتارستان
ص ۲۰۰، بند ۱، خط آخر و بند ۲، خط ۱؛ ص ۲۰۱، بند ۱، خط ۴	شهر بولگار	شهر بلغار
ص ۳۸۹، بند ۲، خط ۵	مجلس عوام	دومای دولتی
ص ۴۶۱، عنوان و خط ۱	انتخابات پارلمانی ... مجلس دومای حکومت فدرال روسیه	انتخابات دومای دولتی روسیه
ص ۴۶۱، بند ۱، خط ۶	پارلمان روسیه	دومای دولتی روسیه
ص ۴۶۵، بند ۲، خط ۲	مجلس	دومای دولتی
ص ۶۳۸، بند ۲، خط ۸	مجلس دوما	دومای دولتی
ص ۲۲۶، بند ۱، خط ۶	سازمان کنفرانس اسلامی	سازمان همکاری اسلامی
ص ۲۵۱، بند ۱، خط آخر	ملی‌گرایی مفهومی تمدنی ... است.	ملی‌گرایی مفهومی مدنی است
ص ۲۷۷، بند ۱، خط ۲	ارتش آزادی داغستان	ارتش آزادی‌بخش داغستان
ص ۳۲۳، خط ۱	اسلام صرف	اسلام محض
ص ۳۹۰، خط آخر	دو دولت (روسیه و تاتارستان)	دولت فدراسیون روسیه و جمهوری خودمختار تاتارستان
ص ۴۰۰، بند ۲، خط ۵	مجلس سنای پارلمان، شورای فدراسیون	مجلس عالی فدراسیون روسیه به‌نام شورای فدراسیون
ص ۵۵۷، بند ۱، خط ۳	نه غربی نه شرقی	نه شرقی نه غربی

۴. نتیجه‌گیری

این مقاله در نقد کتاب *اسلام در روسیه: سیاست‌های هویتی و امنیتی* اثر شیرین تهماسب - هانتز تهیه شده و ضمن معرفی یافته‌های ارزش‌مند آن در بررسی نقش اسلام و مسلمانان در تشکیل امپراطوری روسیه و تحولات پس از آن تا فروپاشی شوروی و بحران هویت و تحولات بنیادین در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی روسیه پس از شوروی، به

کاستی‌های گوناگون شکلی و محتوایی آن نیز توجه کرده و راه‌کارهایی برای آن پیش‌نهاد نموده است. این کتاب گرچه از منابع اصلی برای درس‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، و مطالعات منطقه‌ای نیست تا انطباق کامل آن با سرفصل‌های درسی مصوب وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری را انتظار داشت و درباره ساختار حکومتی فدراسیون روسیه و مسائل آن با دیگر کشورها و اقوام و سازمان‌های بین‌المللی نیز قطعاً ناکافی است، ولی به‌عنوان منبعی کمکی برای درس «سیاست و حکومت در روسیه» و «سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ» می‌تواند مفید باشد و بخش‌های زیادی از آن نیز که با سیاست خارجی و روابط خارجی روسیه با غرب و دیگر قدرت‌های بزرگ و هم‌چنین جهان اسلام و کشورهای اسلامی همسایه آن و عضو خارج نزدیک مطرح می‌کند، ارزش بسیار زیادی دارد. باین‌حال، کاستی‌های شکلی، ساختاری، و محتوایی گوناگونی دارد که توصیه می‌شود در چاپ‌های بعدی برطرف گردد.

کتاب‌نامه

- بیلینگتون، جیمز (۱۳۸۵)، روسیه در جست‌وجوی هویت خویش، ترجمه و ویراسته مهدی سنایی، تهران: ایراس.
- حسینی، سیده‌مطهره (۱۳۹۱)، مسلمانان روسیه، تهران: ابرار معاصر.
- حکیمف، رافائل (۱۳۹۰)، تاتارها: پیدایش و تحول از آسیا تا اروپا، ترجمه بهرام نوازی، تهران: وزارت امور خارجه.
- سنایی، مهدی و جهانگیر کرمی (۱۳۸۷)، روابط ایران و روسیه، تهران: ایراس.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۹۱)، تحولات سیاست خارجی روسیه: هویت دولت و مسئله غرب، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- کارر دانکوس، هلن (۱۳۷۱)، شوربختی روس، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: البرز.
- کولایی، الهه (۱۳۷۹)، اتحاد جماهیر شوروی و انقلاب اسلامی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۲)، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از پیمان و ستغالی تا امروز، تهران: قومس.
- نوازی، بهرام (۱۳۶۹)، عهدنامه مودت ایران و شوروی، تهران: همراه.

http://www.encyclopedia.com/topic/Joseph_Stalin.aspx

<http://www.eia.gov/cfapps/ipdbproject/iedindex3.cfm?tid=3&pid=3&aid=6&cid=ww,IR,RS,&syid=2000&eyid=2014&unit=TCF>

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/rs.html>

Hunter, Shireen, Thomas L. Jeffrey, and Melikishvili Alexander (2004) *Islam in Russia: the Politics of Identity and Security*, NY: M. E. Sharpe.